



سه‌شنبه ۲۳ بهمن ۱۴۰۲
وطن امروز | شماره ۴۲۵۲

فرهنگ و هنر

چهارمین جشنواره فیلم فجر

سیمرغ ها تقسیم شد

چهل‌وسومین جشنواره فیلم فجر شامگاه دوشنبه ۲۲ بهمن بهترین‌های خود را شناخت و مهم‌ترین نکته درباره جشنواره امسال، انتخاب‌های عجیب هیات داوران بوده موضوعی که باعث اعتراض و حیرت کارشناسان و حتی حصار در سالن شد.دست کم در جویایز اصلی، این موضوع مشهود بود و عدم استقبال حضاران در سالن نشان می داد آنها با انتخاب هیات داوران همراهی نمی‌کنند.جایزه بهترین فیلم جشنواره به «ریبا صدایم کن» رسید، در حالی که بر اساس نظر کارشناسان و همین‌طور تماشاچیان، فیلم «موسی کلیم‌الله» شایسته دریافت سیمرغ بهترین فیلم بود.البته فیلم حاتم‌ی کیا توانست سیمرغ‌های بهترین دستاورد فنی، بهترین چهره‌پردازی، بهترین طراحی لباس، بهترین طراحی صحنه و بهترین نقش مکمل مرد را از آن خود کند.براساس انتخاب هیات داوران چهل‌وسومین جشنواره، سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد به مصطفی زمانی برای نقش فریبنی در فیلم «شمال از جنوب غربی» رسید. فریبا نادری هم برای فیلم «شوهر ستاره»، سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول زن را دریافت کرد.انتخابی که با استقبال حضار در سالن مواجه نشد. به اعتقاد کارشناسان، شانس نخست دریافت سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول زن خانم مریلا زارعی برای فیلم «موسی کلیم‌الله» بود.فیلم «شمال از جنوب غربی» توانست جایزه مهمی را از آن خود کند.بهترین فیلمبردار، بهترین نقش اول مرد و بهترین کارگردانی از آن این فیلم شد. حمید زرگرزاده، کارگردان این فیلم، سیمرغ بهترین کارگردان را دریافت کرد.فیلم «چچه مردم» هم از فیلم‌هایی بود که مورد توجه قرار گرفت و جایوز زیادی را کسب کرد.این فیلم سیمرغ‌های بهترین فیلمنامه، بهترین تدوین و بهترین کارگردان اورا از آن خود کرد.فیلم «هیاد» هم توانست سیمرغ‌های بهترین جلوه‌های ویژه بصری و بهترین فیلمبرداری ویژه میدانی را از آن خود کند. در بخش فیلم اول، جایزه بهترین فیلم به فیلم سینمایی «رها» رسید.فیلم‌های «خدای جنگ» و «اتوار دشت» نیز به عنوان بهترین فیلم‌های نگاه ملی انتخاب شدند. یکی دیگر از موضوعاتی که در این دوره از جشنواره موجب انتقاد شد، بی توجهی به فیلم «خدای جنگ» بود که به اعتقاد کارشناسان در توزیع جایوز، به این فیلم بی‌مهری شد

نکته

آنتیک؛اروتیک و تلنگر آمیز

محسن ذوالفقاری؛ همین که فیلم «آنتیک» چطور مجوز گرفته است جای کلی شک و شبهه است.اوستا شوخی‌های اروتیک به این فجاعت و فضاحت نوبر است. شهید بهشتی ده‌ها سال قبل در این باره تذکراتی داده بودند ولی انگار همه گوش‌ها سر شده است و فقط می‌خواهیم یک کلام از او بی‌شنویم: «عاشق شویدا زندگی به عشق است»! او همان عشق هم چیزی نفهمیدیم. و ما کلام شهید: «چطور می‌شود آب و رنگ زندگی و وضع حضورمان در جامعه، وضع هنر، فیلم‌ها، تفریحات به سمت حاکمیت سکس بر جامعه‌ جلو برود ولی در عین حال بگویم که ما خواهان تعالی انسان هستیم.» توهمین به مقدسات و انقلاب دیگ جای خودما! آن را با اغماض می‌کنیم ولی گزیمیر روی حسناپ آزادی بیان‌ها، فارغ از همه این موارد اگر خواسته باشیم منصفانه به فیلم نگاه کنیم ۲ نکته مثبت هم دارد.

۱- دست گذاشته روی اقتضادات اشتباهات مردم که ریشاهی بس قدیمی دارد. مهم‌ترین آن بحث نوسان و توکل که بعضا آدم‌ها امامزاده و درخت و ضریح و بارگاه را اصل می‌دانند و فکر می‌کنند حاجات‌شان را از آنها می‌گیرند، در صورتی که از خداوند غافل هستند. در این باره بحث و حرف زیاد است و در این مجمل نمی‌گنجد. فقط به معرفی ۲ کتاب از شهید بهشتی و یک خاطره از ایشان اکتفا می‌کنم. اول آنرا با بگویم. خاطره از زبان خود ایشان است: «خدام حرم کالمخین خیلی گامصفت و پررو هستند. با اینکه نخستین سفری بود که به آستان این امامان پاک مشرف می‌شدم، مشاهده این گلابی و خرافهسازری آنها مرا خیلی ناراحت کرد و سبب شد آن روز صبح قبل از زوروی خودم را پیدا نکنم. خدام تک‌پاچه‌های سبزی دارند که به اصرار می‌خواهند بفرشند.»^۱ برای فهم مفهوم توکل و توسل، همچنین درک این تکه‌خاطره کوتاه، اول کتاب «شناخت اسلام» ایشان را پیشنهاد می‌کنم و بعد کنیاچه «غامت».

۲- نکته تشکیلاتی زیبایی در دل فیلم نهفته شده بود و آن هم صحنه‌ای که ابی (پژمان چشم‌مدی) قصه ساخت این امامزاده دروغی را گفت ولی باز هم مردم دوست نداشتند این بنای نصفه و نیمه را خراب کنند. می‌دانید چرا؟ چون خودشان خرج کرده بودند و بااین عرق ریخته بودند. اما نکته تشکیلاتی در جهت کردن آن، این است که برای اینکه مجموعه شما سرپا بماند و اعضایش به آن عرق و تعصب داشته باشند، باید آنها را در ساخت و رشد مجموعه بازی بدهید، چه جانی، چه مالی و چه فکری. بلایی که الان بعضی سازمان‌ها اعم از دولتی و خصوصی و صحتولتی بر سر کارمندان‌شان آورده‌اند، کاملاً مشخص است. کارمندان نهنها نسبت به مجموعه‌شان دلسوز نیستند، بلکه دنبال فرصتی هستند تا کیسه منفعت‌های خودشان را پر کنند.سازمان‌های حاکمیتی بالای خلمان‌سوزتر وارد شدند. در مناسبت‌های ملی و میهنی کاملاً مشخص است. مثال عینی و ملموس، همین دهه فجر است که الان داخلش هستیم. فارغ از همه مشکلات اقتصادی و دل‌کنندند عداوی از نظام و انقلاب، یکی از دلایلی که مردم انقلاب‌دوست ما هم دیگر دل به کار نمی‌دهند، همین است که حاکمیت همه‌چیز را خواسته با بودجه‌های دولتی زورچینی، خودش اجرا و گزارشش را رد کند.این مطلب خیلی مهم، روح حاکم بر فصل ۲ کتاب تشکیلات بهشتی است: «عضای تشکیلات، وظایف و رسالت‌ها»^۲ در کل این فیلم فارغ از شوخی‌های اروتیکش، برای حزب‌اللهی‌ها و انقلابی‌های فقیه، تلنگر خوبی است و برای غیر، خطری بزرگ...

پی‌نوشت

۱- شهید بهشتی اسطوره‌ای بر جاودانه تاریخ، ص ۱۰۹

۲- من محمد حسینی بهشتی هستم

۳- تشکیلات بهشتی، مجموعه نظرات تشکیلاتی شهید بهشتی

حضرت امام حسین (ع)

کسی که دوست دارد اجلاس به تأخیر افتد و روزی اش فرایش یابد، صلح رده به جا آورد.

روزنامه سیاسی ، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز و مدیرمسئول: محمد اخوندی
مدیر عامل: زهرا شکیبایی
سر‌دبیر: سعید عابدین نورالدینی

صورت‌بندی کلی آثار حاضر در جشنواره چهل‌وسوم فیلم فجر

وقتی همه بیداریم

گزارش

میلاد جلیل‌زاده

سرنجام

فجر چهل‌وسومین دوره از جشنواره فجر برگزار شد و برندگانش را شناخت. به دلیل تعداد بالای آثار، حضور در فجر امسال برای مخاطبان جشنواره هم سخت بود اما همه آمدند و بی‌جوابی کشیدند و صبورانه تک‌تک آثار را بدرقه کردند تا دفتر چهل‌وسومین دوره از جشنواره فجر بسته شود. در برگزاری این رویداد نه فقط مدیران فرهنگی و حتی عوامل سینما، بلکه مردم و مخاطبان جشنواره هم سهیم بودند؛ همان‌ها که این شب‌ها را بیدار ماندند و بی‌طاقت نشدند تا چراغ جشنواره روشن بماند.

اگر به بحث داورۃ‌ی این دوره پرداخته‌شود و سولاتی در این باره مطرح شوند، همچنان همان سوال پاسخ‌های همیشگی مطرح خواهند شد؛ از این قبیل که «همه چیز دخالت نمی‌کند». با این حال هنوز خیلی‌ها قانع نشده‌اند که داورۃ‌ی جشنواره فقط فریب از رای و نظر هیات داوران است. اما گذشته از مراسم اختتامیه که به هدیه جشنواره و مدیر فراقی و رئیس سازمان سینمایی و در نهایت دولت وقت مرتبط است، چیزی که استمرار پیدا کرده و به امروز رسیده و متعلق به همه است اهمیت دارد، یعنی جشنواره فیلم فجر؛ جشنواره‌ای که تا همین یکی دو سال پیش خیلی‌ها می‌خواستند تعطیلش کنند امسال طوری برگز شد که انگار نه انگار مدت‌ی پیش به یکی از اصلی‌ترین اهداف نامدین برای حمله به حاکمیت فرهنگی کشور بدل شده و زیر بارش همه‌جای‌بی‌بوم آمد.فستیوال امسال خیلی شلوغ بود و بخش مسابقه آن ۳۳ فیلم بلند داشت و در بخش انیمیشن هم ۴ اثر به رقابت پرداختند. خیلی از قواعد همیشگی برای برگزاری این دوره نادیده گرفته شد که از جمله آنها می‌توان به شرط اولین حضور در جشنواره فجر اشاره کرد. قبلاً این قانون جدی‌تر گرفته می‌شد و فیلم‌هایی که پیش از فجر در سایر فستیوال‌های دنیا نمایش داده شده بودند به بخش مسابقه نمی‌آمدند. کارلان پذیرش این حجم از آثار به نظر می‌رسد انگار سیاست دگر بر گزار کنندگان این دوره، این بود که همه‌الهی سینما از هر طیف را دور هم جمع کنند و مجدداً شمایل خوادگی این رویداد زنده شود و خیلی از معیارها و ضوابط عمداً به نفع چنین اولویتی نادیده گرفته شد. شاید قاعده «اولین نمایش فیلم‌ها در جشنواره» فجر در سال‌های بعد مجدداً به دستور کار دبیر خانه برگردد. یک بخش داغ و پرحاشیه دیگر در این جشنواره که البته فقط اهالی رسانه و عداوی از عوامل سینما مخاطب آن بودند، نمایش‌های ویژه در آخرین سانس ایوان جشنواره بود. تعدادی از فیلم‌های توقیفی و فیلم‌هایی که به هر علت تا به حال پرونه‌نمایش عمومی آنها صادر نشده، در این بخش به نمایش درآمدند که «گرگ‌های آبی»، درباره زندگی فروغ فرخ‌زاد، «کسانا» از پرویز شهبازی، «فریزه» از سیاوش اسعدی و «پیرپسر» به کارگردانی اکتای زارعی از جمله آنها هستند. در میان این فیلم‌ها هم بعضی از آنها لاقل مورد استقبال بخشی از اهالی رسانه قرار گرفتند و بعضی دیگر نه.

فجر چهل‌وسوم جشنواره شلوغ و نفس‌گیری بود و با اینکه تعداد فیلم‌هایش بالا رفت، تعداد آثار قابل قبولی که به لحاظ کیفیت روی آنها اجماع نسبی وجود داشته باشد، نه چندان بیشتر از دوره‌های قبل بود و نه کمتر. تنها حسنی که برآی به نمایش درآمدن این حجم از آثار در فجر ۴۳ می‌توان به آن اشاره کرد، نمای کلی و نسبتاً جامعی است که از سینمای ایران می‌دهد؛ از کم‌دی‌سازاری که به چیزی جز گیشه فکر نمی‌کنند تا آثار اجتماعی و شبه‌اجتماعی که حتی برای جذب مخاطب خاص هم نگوئیده‌اند، چه رسد به مخاطب خاص. در این دوره می‌شد نمایندگان از تمام جریان‌های سینمایی کشور را دید. فیلم‌های مقاومت و دفاع مقدس، فیلم‌های بخش خصوصی، فیلم‌هایی که جشنواره‌های خارجی راهف می‌گیرند و حتی انیمیشن ایران هم رخ نسبتاً واضحی از وضعیت خود در این سال‌ها را در فجر امسال نمایش داد.

از همین روز مرور فجر چهل‌وسوم و دست‌بندی آثار آن و جریان‌شناسی فرمی و محتوایی‌اش می‌تواند سیمایی کلی از وضعیت امروز سینمای ایران به دست بدهد. فیلم‌های این دوره از فجر به چند دسته کلی قابل تقسیم‌بندی‌اند؛

فیلم‌های اجتماعی، فیلم‌های مقاومت و دفاع مقدس، فیلم‌های اجتماعی و انیمیشن‌ها، چند موضوع مهم را هم می‌شد در این جشنواره رصد کرده؛ از جمله گروهک‌های معاند و تجزیه‌طلب اول انقلاب، پرتره سرداران شهید، موضوع نوجوانان، مسؤولیت پدری و مسائل جنایی. در میان فیلم‌های امسال سوزه‌مسائل روانشناختی هم بسیار پررنگ بوده طوری که می‌توان پرونده جداگانه‌ای را به طور مستقل در باب آن کشود. بعضی تابوشکنی‌ها هم در این دوره بسیار پر تکرار بودند که سواى ماهیت هر کدام‌شان، نکته‌قلیل توجه‌همین تکرار شدن‌شان در فیلم‌های مختلف است. یعنی فیلمسازان مختلف احتمالاً بدون اطلاع از کار هم، همگی یک نوع تابوشکنی‌های خاصی را تکرار می‌کردند. این موضوع را هم می‌توان در مجال جداگانه‌ای به‌طور مفصل ریشه‌یابی کرد.

یک نگاه کلی به آثار این دوره از جشنواره فجر نشان می‌دهد همچنان له‌منپسیم یکی از مسائل متلازمه جامعه ما و بالطبع سینمای ایران است. بعضی فیلم‌ها از چشم‌انداز چنین جماعتی به دنیا نگاه می‌کنند تا با ایجاد حس همزادپنداری در آنها به فروش گیجشاهی بالایی دست پیدا کنند. بعضی فیلم‌های دیگر هم نگاهی منفی یا آسیب‌شناختی به این طیف اجتماعی دارند.امسال جز فیلم همزادپنداری در آنها به فروش کمک فراوانی بکند اما آمدش به فجر ودریافت تندترین نقد‌ها، سوزناوست گیشه فیلم راطور دیگری رقم زد. برای بعضی کم‌دی‌های امسال هم ممکن است همین اتفاق افتاده باشد اما آثار دیگری هم بودند که برخلاف رویه معمول آثار کم‌دی این سال‌ها ساخته شدند و اتفاقاً نمایش آنها در فجر کمک زیادی به دیده شدن‌شان کرد. شاخص‌ترین نمونه در این میان «چچه مردم»، اولین ساخته محمود کریمی است که خود این فیلمساز هم در نسبت دادن عنوان کم‌دی به آن تردید دارد و از سبک خاصی از فیلم‌های طنز که در سایر نقاط دنیا زیاد دیده شده‌اند پیروی می‌کند.بچه مردم روی استفاده از ستاره‌های معروف برای دستپایی به فروش بالا‌حسابی نکرد اما نتیجه کار فیلمی از آب درآمد که اگر با هر بازی‌ری بشود به‌طور کل فیلم‌های این دوره را تا حدود زیادی می‌توان ماحصل کار دولت قبل در امر تولید محصولات سینمایی دانست و نوع برگزاری جشنواره، چشم‌اندازی را که از مدیریت جدید در دوره جدید وجود خواهد داشت به‌مان‌نشان می‌دهد.البته این به آن معنا نیست که تک‌تک تولیدات سینمای ایران که زمان جلوی دوربین رفتن‌شان مربوط به دولت قبل می‌شود، مطابق با معیارهای همان دولت هستند و از طرفی همه آنچه دولت فعلی می‌خواهد به آن برسد در عمل محقق شود.اما این سیاستگذاری‌ها هم بی‌تاثیر نیستند. در فیلم‌های جشنواره فجر امسال چندین نکته پر تکرار وجود داشت که ریشه‌یابی آنها تا حدودی می‌تواند ذهنیت عموم فیلمسازان ایرانی را از

سالن نمایش بیرون می‌دهد. اگر ارکان‌های جشنواره فجر و استقبال مخاطبانش از این جنس کم‌دی بتواند روی فروش بچه مردم تاثیر مثبتی بگذارد این را می‌توان یک دستاورد عملی شگرف برای این رویداد سینمایی دانست.
■ چرا محسن رضایی اینقدر تکرار شد؟
۳ در فیلم از آثار حاضر در جشنواره فجر امسال برترهایی از سردار محسن رضایی به نمایش درآمد که البته مورد فیلم «شک هور» بسیار کوتاه بود و شاید در سریال آن بیشتر بتوان چهره فرمانده کل سپاه در دوران جنگ را دید.این قضیه حتی همان‌طور که قبل پیش‌بینی بود، دستمایه یکسری شوخی‌ها در میان اهالی رسانه و یک سو و وضعیت نهاده‌ا و ارگان‌هایی که در فیلمسازی فعال بودند را از سوی دیگر نشان دهد. به‌علاوه، می‌توان به نکته‌ای از ساختارهای سینمای ایران هم پی برد که در کیفیت و محتوای نراهایی کارهایی تاثیر نیبستند.

■ همپوشانی موضوعی ارگان‌ها

امسال ۲ فیلم «شمال از جنوب غربی» و «بازی خونی» در ارتباط با وقایع اول انقلاب در شهر هزار سنگر یا همان امل بودند.البته سازندگان این ۲ فیلم اصراً رویه‌ای نداشتند که مقطع زمانی روایت‌شان و حتی سوزهای که به آن پرداخت‌اند با هم متفاوت است اما نمی‌توان شباهت این ۲ کار به هم را انکار کرد. اگر برنامهریزی دقیق‌تری وجود داشت، احتمالاً بودجه یکی از این فیلم‌ها برای بازخونی گوشه دیگری از تاریخ معاصر کشور که نادیده مانده در نظر گرفته می‌شد یا لاقل هزینه ساخت هر ۲ فیلم و همتی که صرف آنها شده، جمع می‌شد تا اثری با قدرت ۲ برابر تولید شود. اما چنین اتفاقی در شرایطی رخ می‌دهد که کمترین هماهنگی بین تهیه‌اهاور ارگان‌هایی که از تولیدات سینمایی حمایت می‌کنند وجود دارد و حتی رقابت بین آنها باعث می‌شود از کار هم بی‌خبر باشند. ۲ فیلم «شک هور» و «سفند» هم برترهای از شهیدمظلوم علی‌هاشمی را نمایش دادند که البته مورد دوم به اولین روزهای جنگ می‌برداخت و «شک هور» مقطع پس از شهادت او را نشان می‌داد و روی چشم‌انتظاری مادر و خانواده‌اش تمرکز کرده بود. اینکه ۲ فیلمساز به ۲ مقطع زمانی متفاوت از زندگی یک نفر بپردازند، چیزی طبیعی است و حتی جا دارد آثار دیگری هم درباره شهید هاشمی و تولید شوند اما مشکل اینجااست که این اتفاق به عمد و با انگیزه کامل کردن پازل شناخت مخاطبان از شهید هاشمی انجام شده، بلکه بر اثر یک ناهماهنگی به وجود آمده است.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
وبسایت: vataneeroz.ir
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲
نماینر: ۶۶۴۱۳۱۳
ایم‌پارس‌ان: vataneeroz@vataneeroz.ir
بست الکترونیک: info@vataneeroz.ir
چاپ: موسسه چاپ‌مهر برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰

■ کم‌دی‌های فروش و نفروش

چند فیلم کم‌دی در فجر امسال حضور داشتند که بعضی از آنها مستقیماً باید به گیشه می‌رفتند و در اینکه جای‌شان در جشنواره فجر باشد تردیدهایی وجود داشت. چند سال پیش هم کم‌دی «مسخرمباز» از جواد رضویان با موضوع مداح مشهوری که نامزد شورای شهر شده و رابطه‌اش با یک خانم، سه‌ساله‌ساز می‌شود، به فجر آمده بود. خلاصه دوخطی داستان این فیلم و نام کارگردانش کنجکاوی زیادی نسبت به آن ایجاد می‌کرد که می‌توانست در گیشه به فروش کمک فراوانی بکند اما آمدش به فجر ودریافت تندترین نقد‌ها، سوزناوست گیشه فیلم راطور دیگری رقم زد. برای بعضی کم‌دی‌های امسال هم ممکن است همین اتفاق افتاده باشد اما آثار دیگری هم بودند که برخلاف رویه معمول آثار کم‌دی این سال‌ها ساخته شدند و اتفاقاً نمایش آنها در فجر کمک زیادی به دیده شدن‌شان کرد. شاخص‌ترین نمونه در این میان «چچه مردم»، اولین ساخته محمود کریمی است که خود این فیلمساز هم در نسبت دادن عنوان کم‌دی به آن تردید دارد و از سبک خاصی از فیلم‌های طنز که در سایر نقاط دنیا زیاد دیده شده‌اند پیروی می‌کند.بچه مردم روی استفاده از ستاره‌های معروف برای دستپایی به فروش بالا‌حسابی نکرد اما نتیجه کار فیلمی از آب درآمد که اگر با هر بازی‌ری بشود به‌طور کل فیلم‌های این دوره را تا حدود زیادی می‌توان ماحصل کار دولت قبل در امر تولید محصولات سینمایی دانست و نوع برگزاری جشنواره، چشم‌اندازی را که از مدیریت جدید در دوره جدید وجود خواهد داشت به‌مان‌نشان می‌دهد.البته این به آن معنا نیست که تک‌تک تولیدات سینمای ایران که زمان جلوی دوربین رفتن‌شان مربوط به دولت قبل می‌شود، مطابق با معیارهای همان دولت هستند و از طرفی همه آنچه دولت فعلی می‌خواهد به آن برسد در عمل محقق شود.اما این سیاستگذاری‌ها هم بی‌تاثیر نیستند. در فیلم‌های جشنواره فجر امسال چندین نکته پر تکرار وجود داشت که ریشه‌یابی آنها تا حدودی می‌تواند ذهنیت عموم فیلمسازان ایرانی را از

سالن نمایش بیرون می‌دهد. اگر ارکان‌های جشنواره فجر و استقبال مخاطبانش از این جنس کم‌دی بتواند روی فروش بچه مردم تاثیر مثبتی بگذارد این را می‌توان یک دستاورد عملی شگرف برای این رویداد سینمایی دانست.
■ چرا محسن رضایی اینقدر تکرار شد؟
۳ در فیلم از آثار حاضر در جشنواره فجر امسال برترهایی از سردار محسن رضایی به نمایش درآمد که البته مورد فیلم «شک هور» بسیار کوتاه بود و شاید در سریال آن بیشتر بتوان چهره فرمانده کل سپاه در دوران جنگ را دید.این قضیه حتی همان‌طور که قبل پیش‌بینی بود، دستمایه یکسری شوخی‌ها در میان اهالی رسانه و یک سو و وضعیت نهاده‌ا و ارگان‌هایی که در فیلمسازی فعال بودند را از سوی دیگر نشان دهد. به‌علاوه، می‌توان به نکته‌ای از ساختارهای سینمای ایران هم پی برد که در کیفیت و محتوای نراهایی کارهایی تاثیر نیبستند.

■ همپوشانی موضوعی ارگان‌ها

امسال ۲ فیلم «شمال از جنوب غربی» و «بازی خونی» در ارتباط با وقایع اول انقلاب در شهر هزار سنگر یا همان امل بودند.البته سازندگان این ۲ فیلم اصراً رویه‌ای نداشتند که مقطع زمانی روایت‌شان و حتی سوزهای که به آن پرداخت‌اند با هم متفاوت است اما نمی‌توان شباهت این ۲ کار به هم را انکار کرد. اگر برنامهریزی دقیق‌تری وجود داشت، احتمالاً بودجه یکی از این فیلم‌ها برای بازخونی گوشه دیگری از تاریخ معاصر کشور که نادیده مانده در نظر گرفته می‌شد یا لاقل هزینه ساخت هر ۲ فیلم و همتی که صرف آنها شده، جمع می‌شد تا اثری با قدرت ۲ برابر تولید شود. اما چنین اتفاقی در شرایطی رخ می‌دهد که کمترین هماهنگی بین تهیه‌اهاور ارگان‌هایی که از تولیدات سینمایی حمایت می‌کنند وجود دارد و حتی رقابت بین آنها باعث می‌شود از کار هم بی‌خبر باشند. ۲ فیلم «شک هور» و «سفند» هم برترهای از شهیدمظلوم علی‌هاشمی را نمایش دادند که البته مورد دوم به اولین روزهای جنگ می‌برداخت و «شک هور» مقطع پس از شهادت او را نشان می‌داد و روی چشم‌انتظاری مادر و خانواده‌اش تمرکز کرده بود. اینکه ۲ فیلمساز به ۲ مقطع زمانی متفاوت از زندگی یک نفر بپردازند، چیزی طبیعی است و حتی جا دارد آثار دیگری هم درباره شهید هاشمی و تولید شوند اما مشکل اینجااست که این اتفاق به عمد و با انگیزه کامل کردن پازل شناخت مخاطبان از شهید هاشمی انجام شده، بلکه بر اثر یک ناهماهنگی به وجود آمده است.

نگاهی به ترکیب هیأت داوران این دوره جشنواره فجر

۶ ضلعی قضاوت

■ کمال تبریزی

کمال مصفای تبریزی، متولد ۱۳۳۸، فارغ‌التحصیل رشته سینما و تلویزیون از دانشگاه هنر است. او تا به حال در رشته‌های تدوین، تهیه و تولید، صحنه و لباس، فیلمبردار، فیلمنامه و کارگردانی فعالیت کرده‌است و شروع فعالیت حرفه‌ای او مربوط به سینمای آزاد تهران در سال ۱۳۵۸ می‌شود. تبریزی که پیش از این به کرات در فجر حضور داشته و جوایزی هم گرفته، جزو دانشجویان تسخیرکننده سفارت آمریکا بود و نکته جالب اینجااست که عزت‌الله ضرع‌امی هم به عنوان یکی دیگر از اعضای آن گروه، امسال در ترکیب هیات داوران قرار دارد.

■ علیرضا زبیبیان

علیرضا زبیبیان متولد ۱۳۳۴، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و تهیه‌کننده سینمای ایران، دانش‌آموخته کارگردانی از دانشکده صداوسیما و دارای نشان درجه یک هنری معادل دکتری افتخاری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است. زبیبیان را به خاطر ساخت فیلم ریحانه در سال ۶۸به‌عنوان کارگردان نخستین علاقه‌شده سینمایی در دوره پس از انقلاب می‌شناسند اما او کارگردان کم‌کاری است و از آن روز تا به حال تنها ۵ فیلم ساخته است. زبیبیان یک بار در بخش فیلم‌های اول و دوم سیزدهمین جشنواره فجر در فیلم افتخار بهترین اثر در دریافت کرد و در شانزدهمین دوره برای «بانوی اردیبهشت» جایزه ویژه هیأت داوران را برنده شد. او برای فیلم‌های «ریحانه» و «دوران عاشقی» هم نامزد عناوین بهترین فیلم اول، بهترین کارگردانی و بهترین فیلم شده بود.

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر (عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
وبسایت: vataneeroz.ir
تلفن: ۶۶۴۱۳۷۲
نماینر: ۶۶۴۱۳۱۳
ایم‌پارس‌ان: vataneeroz@vataneeroz.ir
بست الکترونیک: info@vataneeroz.ir
چاپ: موسسه چاپ‌مهر برتر برنا
توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۲۰۰



اصلی‌ترین دغدغه‌ها در سال‌های اخیر تبدیل شده است. پدر در بسیاری از فیلم‌های این چند سال چهره‌ای ظالم و زورگو دارد یا به‌شدت اهمال‌کار و بی‌تفاوت است و می‌زند. دلایل متعددی برای به وجود آمدن این لحن بین فیلمسازان ایرانی می‌توان برشمرد اما سبب هر چه که هست، نتیجه کار چنان شده که انگار بغض سنگینی زیر گلوی مخاطبان ایران سنگینی می‌کند و آنها از نمایش چنین تصویر مخدوشی از مهم‌ترین مرد زندگی‌شان خسته‌اند. این خستگی و به تنگ آمدن را بیشتر از هر جای می‌شد در واکنش‌های جشنواره، به وجود همه این موارد، به «ریبا صدایم کن»، ساخته رسول صدراعلمی داده شد دید. از این فیلم چه به لحاظ کارگردانی و چه فیلمنامه ایراداتی می‌شد گرفت که بعضی به‌شدت واضح بودند و مخاطب عام هم به راحتی می‌توانست آنها را مورد اشاره قرار دهد اما مخاطبان جشنواره، با وجود همه این موارد، با تشویق‌های مکررشان به فیلمسازان چنین علامتی دادند که تصویر مثبت پدر حتی همراه با ایرادات فنی، چیزی است که امروز آن را کم دارند. امسال در فیلم‌های «ترک عمیق» و «مرد آرام» مردانی دیده شدند که اگر چه ظاهر امروزشان آرامش دارد و صلح‌جو است، اما در گذشته آنها سومی موفق می‌شود او را از میان بردارد. نمی‌توان با ابلاغ بی‌امهالی درباره بایستگی‌های نمایش تصویر پدر در سینما این موضوع را حل و فصل کرد و جلوی خلاقیت را هم با تمبرهای دست و پاگیر نباید گرفت اما وقتی می‌بینیم تصویر پدر در سینمای ما با تصویری که اکثریت جامعه از پدران‌شان در ذهن دارند تا این اندازه متفاوت است، به نظر می‌رسد باید برای اصلاح این جریان ریل گذاری فرهنگی هوشمندانه‌ای صورت بگیرد.

■ سینمای ایران و دغدغه‌های روانشناختی

یکی از نکات قابل توجه در جشنواره فجر امسال تعداد بالای فیلم‌هایی است که با مسائل روانشناختی مرتبط بودند. در «ترک عمیق» شخصیت اصلی فیلم در ابتدای داستان از آسایشگاه روانی بیرون می‌آید و قصه را به راه می‌اندازد و در «ریبا صدایم کن» هم پدر قصه دقیقاً از همین موقعیت وارد روایت می‌شود. در «چشم بادومی» شخصیت نوجوانی وجود دارد که دچار از خودبیگانگی شده و بر اثر علاقه مغرط به یکی از خوانندگان کراهی فکر می‌کند که تبدیل به خود او شده است. در فیلم «دست‌نشان» یکی از شخصیت‌های قصه با بازی شکیب شجره، جوانی عصبی و به اصطلاح روانی است که گاهی رفتارهای عجیبی هم از او سر می‌زند. در فیلم «فریاد» یکی از اصلی‌ترین دلایلی که در گذشته یکی از شخصیت‌ها کارش را به اینجا و موقعیت فعلی کشانده، اختلال روانی فرزندش و سپس همسرش بوده است. در فیلم «داد» شخصیتی شیفرزینک داریم که گاهی به شک می‌افتد آنچه می‌بیند حقیقت است یا رویا. در نهایت مشخص می‌شود بخش قابل توجهی از داستانی که روایت شد، در حقیقت وهم می‌خورد. واقعیت ممکن است بعضی مخاطبان متوجه این دواپاری که روایت شوند، در «رها» هم پدر خانواده که راننده مترو بوده، پس از دیدن خودکشی یک دختر مقابل قطارش دچار حالات روحی و عدم تعادل می‌شود که باعث ترک شغل او و سوق پیدا کردن زندگی‌اش به سمت ویرانی می‌شود. در بعضی فیلم‌های دیگر مثل «گوزن‌های اتوبان» و «اتوار دشت» هم شخصیت‌هایی وجود دارند که دچار اختلالات عصبی یا تیک‌های عصبی هستند و اتفاقاً این شخصیت‌ها در پیشبرد درام نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

گرفت. او در فجر چهل‌ویکم برای بار سوم این جایزه را با فیلم «سینما متروپل» به دست آورد.

■ عزت‌الله ضرع‌امی

سعیدزت‌الله ضرع‌امی متولد آخرین روزهای سال ۱۳۳۸، یکی از سیاستمداران ایرانی است که در حوزه مدیریت فرهنگی سابق متعددی دارد. ضرع‌امی از ۱۳۷۱ تا ۱۳۷۲ معاون وزیر فرهنگ و ارشاد در امور مجلس بود و از ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۶ معاونت امور سینمایی وزیر فرهنگ را بر عهده داشت. او سال ۱۳۷۹ در دوره ریاست علی لاریجانی بر سازمان صدا و سیما، به معاونت امور مجلس و استان‌های سازمان صداوسیما منصوب شد و تا سال ۱۳۸۳ در این جایگاه فعالیت کرد و پس از آن به مدت ۱۰ سال، در فاصله سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۹۳ ریاست سازمان صداوسیما را برعهده داشت. او تا سال ۱۴۰۰ عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی بود و پس از آن تا سال ۱۴۰۳ وزیر میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی شد. ضرع‌امی هم‌اکنون از اعضای شورای عالی فضای مجازی است.

■ مستانه‌مهجار

مستانه مهجار متولد سال ۱۳۵۳، دانش‌آموخته رشته تدوین از دانشگاه سوره است. او فعالیت حرفه‌ای خود در سینما را سال ۷۶ با حضور در تیم امور فنی صدا در فیلم «بانوی اردیبهشت» آغاز کرد و پس از آن چند کار دیگر مثل سینک صدا و میکس را در سال‌های ۷۸ و ۷۹ انجام داد. مستانه مهجار نخستین تدوین حرفه‌ای خود را سال ۸۱ در فیلم «آبان» به کارگردانی مانی حقیقی انجام داد و از آن روز تا به حال در ۴۲ فیلم به عنوان تدوینگر فعالیت داشته است. او تهیه‌کننده ۳ فیلم سینمایی هم بوده که کارگردانی یکی از آنها را به نام «چوچه‌تیغی» خودش بر عهده داشته است. تمام این فعالیت‌ها اما تا به حال منجر به جایزه گرفتن او از جشنواره فجر نشده است.